

# میانی فقهی و طبی

امین آهوار / دانشجوی رشته فقه و حقوق امامیه  
ahvar\_amir@yahoo.com



## چکیده:

سن یائسگی در زنان از نگاه فقه و طب متفاوت است. در طب، نظر غالب بر تعیین نمودن آن است و در فقه، نظر غالب، بر تعیین آن است. هر کدام از این دو شاخه علمی فاکتورها و عواملی را در نظرات خود ملاک قرار داده‌اند که در این مقاله تا حد امکان آن دلایل معرفی شده‌اند.



## مقدمه:

علم فقه و طب، تعاملاتی با هم داشته و دارند. این تعاملات به گونه‌ای است که موجب پیدایش مسائل فقهی می‌شود از آن جمله: اینکه آیا برای یائسگی می‌شود تعیین سن کرد یا خیر؟ اگر امکان تعیین سن وجود دارد، ملاک و معیار آن چیست؟ آیا محیط جغرافیایی در تفاوت سن یائسگی تأثیر دارند؟ آیا سیادت و غیرسیادت مؤثرند؟ آیا با وجود اینکه علم طب، جزء علوم تجربی است و علوم تجربی قطعیت و حقیقت ندارند با این حال می‌توان طب را در احکام فقهی دخالت داد؟ آیا تعیین سن یائسگی کاری فقهی است و صرفاً باید از آیات و روایات استخراج شود و راهی به استفاده از دستاوردهای علم طب در مورد سن یائسگی وجود ندارد؟ این مقاله در راستای پاسخ به این سؤالات نوشته شده و در دوبخش گزارش طبی و گزارش فقهی در مورد سن یائسگی تدوین شده است به این امید که مقاله بتواند به سؤالات مطرح شده جواب داده باشد.

## فصل اول

### گزارش طبی در مورد سن یائسگی:

امروزه جوانان، مورد توجه جوامع قرار دارند و مجلات و آگهیهای تجاری به وجود نیرو و زندگی در جوانان اشاره و تأکید دارند، اما نباید این تصور پیش آید که بعد از سن خاصی، افسردگی و پیری غیر قابل اجتناب است، چون به دلیل پیشرفتهای مطلوب علم پزشکی این مسئله تا حدودی حل شدنی است. خیلی پیش از این، یائسگی جزء بیماری و حالات غیر طبیعی محسوب می‌شد، اما امروزه با توجه به بینش افراد و فرهنگ جوامع امروزی اوضاع متفاوت است (۱). ولی باید توجه داشت که یائسگی به عنوان پیری هم مطرح است و نه تنها به عنوان بیماری.

### تعریف یائسگی:

در مورد تعریف یائسگی در فرهنگ بزرگ سخن،



# سنی یائسگی

چنین آمده است:

یائسگی: "ya' ese-gi [عر . فا.] (حا مص .)

(جانوری) ۱. وضعیتی که در آن تخمدانهای زن دیگر هر چهار هفته یک بار تخمک تولید نمی کنند و قاعدگی به طور طبیعی متوقف می شود. ۲. (ا) دوره ای از زندگی که در آن قاعدگی به طور طبیعی متوقف می شود.

یائسه: ya' ese [عر . یائسه] (ص.) ویژگی زنی که عادت زنانگی او قطع شده است (۲). در اصطلاح

پزشکی معادل کلمه یائسه «منوپوز» می باشد که بر گرفته از دو ریشه یونانی «منو» (mono) یعنی عادت ماهیانه و «پوز» به معنای توقف است. یائسگی توقف عادت ماهیانه و پایان یافتن قدرت باروری است.

به خانمی که به مدت یک سال قاعده نشود «یائسه» می گویند. دوران قبل از آخرین قاعدگی را دوران «پیش یائسگی» می نامند که این دوران از چندماه تا چندین سال متغیر است و با قاعدگیهای نامنظم و علائمی چون: گر گرفتگی، تغییر الگوی خواب، خستگی، طپش قلب، خشکی واژن، تغییرات خلق و خو و اضافه وزن همراه است (۳).

گر گرفتگی: احساس گرمی پوست است که از ناحیه سینه ها شروع شده و به گردن و سر و صورت می رسد که همراه با قرمزی صورت است و به طور حمله ای تظاهر می نماید و حدود ۲ دقیقه طول می کشد و غالباً در مواقع شب بروز می کند و همراه با عرق ریزش شدید است. گاهی نیز ۷۵ - ۲۰ بار در طول روز اتفاق می افتد.

(۴)

یائسگی، بیماری غدد درون ریز ناشی از نارسایی

ترشح درون ریز تخمدان است و تجویز استروئیدهای تخمدان به طور معمول آن را اصلاح می کند. یائسگی بر بسیاری از جاهای بدن تأثیر دارد. این جاها در درجه نخست عبارتند از: استخوانها، دستگاه قلبی عروقی، اندام تناسلی و دستگاه باروری زن. (۵) قطع شدن قاعدگی بر اثر از بین رفتن عملکرد تخمدان، یک واقعه طبیعی و قسمتی از فرآیند طبیعی پیری است. یائسگی در ارتباط با قطع شدن قاعدگی به علت از بین رفتن عملکرد فولیکولی تخمدان رخ می دهد و باید به جای اینکه به صورت یک حادثه تعریف شود، به عنوان یک دوره زمانی در نظر گرفته شود. (۶)

منظور از منوپوز، قطع قاعدگی می باشد که در طی آن میزان ترشح استروژن کاهش می یابد و باعث تغییرات مختلفی در زنان می شود. (۷)

## آغاز یائسگی:

امروزه برای بانوان پایان قاعدگی

با شروع یائسگی بین سنین ۴۸ -

۵۲ سال است. جالب توجه است

که به سن یائسگی در قرن

گذشته، چهار سال اضافه

شده است و متخصصان



بررسی فراوانی سن بروز یائسگی در سالهای مختلف (۱۶)

سن یائسگی	فراوانی	درصد
۴۰ - ۵۴	۸۷	۶/۲۱
۴۶ - ۴۹	۸۳	۵/۲۰
۵۴ - ۵۰	۱۹۱	۲/۴۷
۵۶ - ۶۰	۴۳	۵/۱۰
جمع	۴۰۴	۱۰۰

### عوامل موثر در سن بروز یائسگی:

با توجه به اینکه منابع مختلف عوامل یکسانی را در سن یائسگی ذکر کرده‌اند، لذا به ناچار باید هر کدام از منابع را جداگانه در این مورد ذکر کنیم:

### عوامل تاثیرگذار در سن یائسگی:

**روش زندگی:** براساس مطالعات گسترده در «گینه نو» خانمهای دچار فقر تغذیه‌ای در حدود سن ۴۳ سالگی، اما آنهایی که تغذیه کافی و کامل تر داشتند، در سن ۴۷ سالگی یائسه می‌شدند. مطالعات نشان می‌دهد که زنان اروپایی و آسیایی به دلیل

زنان گزارش داده‌اند که بسیاری از بانوان تا سن ۶۰ سالگی نیز قاعدگی داشته‌اند. بهبود وضعیت تغذیه‌ای، زندگی سالم و پیشرفتهای پزشکی از دلایل مهم افزایش سن باروری است. (۸)

در بیشتر موارد، رابطه ای مشخص بین سن آغاز یائسگی وجود دارد. هر چه قاعدگی زودتر انجام شود دیرتر تمام می‌شود. دخترانی که بلوغ زودرس داشته‌اند، یائسگی را دیرتر تجربه خواهند کرد. (۹)

در مورد آغاز یائسگی نمی‌توان آن را محدود به سن خاصی کرد البته می‌توان سن متوسطی را برای آن تعیین کرد. در این مورد بر اساس منابع متعدد به بیان سن متوسط می‌پردازیم:

یائسگی، معمولاً در سنین ۴۸ تا ۵۲ سالگی ظاهر می‌شود. (۱۰)

یائسگی زمانی است که سیکلهای قاعدگی برای همیشه قطع می‌شوند. میانگین سن وقوع یائسگی، ۵۱ سالگی است. (۱۱)

سن متوسط یائسگی، حدود ۵۱ سالگی (۴۵ تا ۵۵) بوده و ... (۱۲)

میانگین سنی زنان در هنگام یائسگی، ۵۱ سال است. (۱۳)

در ادامه مطلب جا دارد که از نتایج پایان‌نامه‌ای که در ارتباط با همین موضوع تهیه شده است نیز استفاده کنیم:

### گزارش تحقیق:

موضوع طرح: بررسی سن یائسگی و میزان استفاده از HRT در زنان یائسه شهر یزد سال ۱۳۷۷. محل اجرای طرح: شهرستان یزد  
زمان اجرای طرح: نیمه اول سال ۱۳۷۷  
جامعه مورد بررسی: زنان یائسه ساکن شهر یزد که حداقل دو سال پیش در این شهر ساکن بوده و سن آنها کمتر از ۶۵ سال می‌باشد. (۱۴)  
نتایج پرسش‌نامه کامل شده توسط محققان پایان‌نامه:

۱. سن متوسط یائسگی در جامعه مورد بررسی، حدود ۴۹/۲۵ می‌باشد.

۲. حدود ۷/۲ درصد از خانمها دچار یائسگی زودرس شده‌اند.

۳. در افراد چاق، عوارض ناشی از منوپوز کمتر است.  
۵. درصد کمی از خانمها از HRT استفاده می‌کنند و علت اصلی آن بی‌اطلاعی است. (۱۵)

امروزه برای بانوان پایان قاعدگی با شروع یائسگی بین سنین ۴۸ - ۵۲ سال است. جالب توجه است که به سن یائسگی در قرن گذشته، چهار سال اضافه شده است و متخصصان زنان گزارش داده‌اند که بسیاری از بانوان تا سن ۶۰ سالگی نیز قاعدگی داشته‌اند. بهبود وضعیت تغذیه‌ای، زندگی سالم و پیشرفتهای پزشکی از دلایل مهم افزایش سن باروری است





داشتن عادات زندگی، بهتر و سالم‌تر نسبت به خانمهای آمریکایی در سنین بالاتر یائسه می‌شدند.

**طبیعت و توارث :** براساس برخی ملاحظات، خانمها معمولاً الگوهای مادری خود را دارا هستند و دختران مادرانی که در سنین بالا یائسه شده‌اند، دیرتر یائسه می‌شوند.

**دخانیات :** عموماً افراد مبتلا به سیگار زودتر یائسه می‌شوند. برای نتیجه این تحقیقات در مورد تأثیر دخانیات، دو توضیح افعالی وجود دارد:

اول: اینکه نیکوتین با تأثیر مستقیم بر سیستم اعصاب مرکزی موجب کاهش ترشح هورمونها است. دوم: نیکوتین، آنزیمهای کبدی را فعال نموده و متابولیسم سلولهای جنسی را تغییر می‌دهد.

عوامل موثر در قاعدگی که قبل از سن ۴۰ متوقف می‌شود: (یائسگی زودرس) عواملی مانند: استرس طولانی‌مدت، بحران ناگهانی (توضیح این مورد، این است که یکی از عوامل که باعث تغییر سن یائسگی می‌شود، همان دلایل وقوع یائسگی زود هنگام است) برداشتن رحم یا تخمدان: اگر تخمدانهای خانمی به طور غیر قابل ترمیم تخریب شود و از راه عمل جراحی اقدام به برداشتن آن نماید، سریعاً یائسه می‌شود.

چربی زیاد بدن: یکی از حالت‌های معمولی که موجب به تعویق افتادن یائسگی است، چربی زیاد بدن است. بیماریها: پزشکان مشاهده نموده‌اند که بانوان مبتلا به سرطان سینه و رحم و خانمهای دارای فیبروئید و خانمهای مبتلا به دیابت، ممکن است دیرتر از سن معمول یائسه شوند. (۱۷)

زمان یائسگی به صورت ژنتیکی تعیین می‌شود

و زمان وقوع یائسگی وجود دارد. ۲. سکونت در ارتفاع بالا: زنانی که در ارتفاعات بالا زندگی می‌کنند، زودتر یائسه می‌شوند. (۱۹)

زمان آن به نژاد، وضعیت و سطح اقتصادی - فرهنگی، دفعات حاملگی، مصرف OCP، عوامل روحی، خصوصیات جسمانی و سن منارش بستگی ندارد و تنها عوامل موثر در سن یائسگی عبارتند از: ارث، استعمال دخانیات (حدود ۱/۵ سال کاهش می‌دهد)، رادیاسیون لگنی، برخی از داروهای شیمی‌درمانی و پاره‌ای از عفونتهای ویروسی (درگیر کننده تخمدانها).  
در مورد نقش تغذیه، مصرف الکل، زندگی در ارتفاعات در سن یائسگی مطالعات کاملی وجود ندارد. (۲۰)

عوامل زیادی در تعیین زمان شروع یائسگی و همچنین شرایط ناگواری که تجربه خواهد شد و اختلالات مرتبط با آن موثرند. در میان این عوامل، مسئله وراثت، تولید هورمون، سلامتی کلی و روش زندگی از جمله: رژیم غذایی، ورزش، تنش، مصرف الکل، مصرف سیگار و قرار گرفتن در معرض آلودگیها و حتی درجه زندگی نقش مهمی ایفا می‌کنند. (۲۱)

اگر چه دلایل روشنی وجود ندارد، اما پژوهشها نشان داده‌اند، زنانی که از طبقه بالای اجتماع هستند، زودتر از دیگر زنان دچار یائسگی می‌شوند. (۲۲)

تقریباً ۴ درصد زنان قبل از ۴۰ سالگی دچار یائسگی طبیعی می‌شوند. زنانی که سیگار مصرف می‌کنند، در سنین کمتری یائسه می‌شوند. زنانی که دارای بچه هستند یا از قرصهای جلوگیری از بارداری استفاده می‌کنند اندکی دیرتر یائسه می‌شوند؛ زیرا در دوره قبل

تقریباً ۴ درصد زنان قبل از ۴۰ سالگی دچار یائسگی طبیعی می‌شوند. زنانی که سیگار مصرف می‌کنند، در سنین کمتری یائسه می‌شوند. زنانی که دارای بچه هستند یا از قرصهای جلوگیری از بارداری استفاده می‌کنند اندکی دیرتر یائسه می‌شوند؛ زیرا در دوره قبل از یائسگی، کمتر تخمک‌گذاری کرده‌اند

انحراف معیار	میانگین سنی	تعداد	تعداد زایمان
۴	۴۷/۸	۱۳	۰
۴/۵	۴۹/۲	۹۰	۱-۴
۴/۳	۴۹/۴	۲۹۲	۵-۹
۴/۳	۴۹/۳	۳۹۵	جمع

سن وقوع منوپوز برحسب تعداد زایمان در جامعه مورد بررسی (۲۵)

از یائسگی، کمتر تخمک‌گذاری کرده‌اند. (۲۳)  
در پایان‌نامه مذکور نیز چنین آمده است:  
از نظر تعداد زایمان، حدود ۳۹۵ نفر اطلاع صحیح از تعداد زایمان داشتند که ۲۹۲ نفر از آنها در گروه سوم قرار داشتند. میانگین سن منوپوز در این گروه ۴۹/۴ سال بود و ۱۳ نفر در گروه یک قرار داشتند و میانگین سن منوپوز آنها ۴۷/۸ سال بود.

و میانگین سن ۵۱ سالگی می‌باشد. سن یائسگی ارتباطی با نژاد و وضعیت تغذیه‌ای ندارد. با این وجود یائسگی در زنان نولی پار، زنان سیگاری و در بعضی زنان هیسترکتومی شده زودتر ایجاد می‌شود. (۱۸)

**عوامل خطر ساز:** ۱. سیگار کشیدن : زنان سیگاری به طور متوسط ۱/۵ سال زودتر از زنان غیرسیگاری یائسه می‌شوند. ارتباطی بین مقدار مصرف



با توجه به جدول با افزایش تعداد زایمان، سن متوسط یائسگی نیز افزایش می‌یابد. (۲۴)

رژیمهای درمانی: استروژن به تنهایی، استروژن به همراه پروژستین، استروژن به همراه پروژسترون مداوم، پروژسترون، درمانهای دیگری نیز چون: کلونیدین باعث کاهش تعداد حملات گرگرفتگی می‌شود، اما اثر آن کمتر است. (۲۶)

## فصل دوم

### گزارش فقهی در مورد سن یائسگی:

در مورد تعریف فقهی یائسگی و نیز تعریف لغوی آن موارد زیر را می‌توان ذکر نمود:

آیسته: مونث آیسه است از آیس و مقلوب شده از یئس و معنای آن انقطاع امید است و آیسه کسی است که حیض او قطع شده است به خاطر بزرگی و علما آن را در سنین ۵۰ یا ۵۵ یا ۶۰ سالگی محدود کرده‌اند. احمد بکویی گفته است: در زمان ما ۵۰ سالگی برگزیده است و حکم در آن عادت است. (۲۷)

آیسه:

تعریف: آیسه زنی است که به سنی برسد که حیض او قطع شود و امید به بازگشت نباشد.

سن یائسگی: برای یائسگی سن خاصی را ذکر نکرده‌اند؛ پس اگر حیض از زن به خاطر مرض یا بیماری یا جراحت یا خوردن دارو یا افزایش سن قطع شد و امیدی به برگشت این وضع نبود؛ همراه با عدم امید به برگشت پس او یائسه است. اگر زنی که به پنجاهسالگی نرسیده است، دچار حیض نگردد و علت قطع حیض را نداند، پس تا سن پنجاهسالگی صبر کند؛ پس اگر در این مدت حیض شد، آن خون از گروه حیض است و اگر حیض نشد، یائسه می‌باشد.

برای زن جایز است که از دارو استفاده کند تا به حیض برگردد؛ پس اگر چنین کرد و به استمرار و عادت برگشت؛ پس او حائض است اگر چه آن زن صدسال داشته باشد. (۲۸)

الیاس:

تعریف: یأس یعنی همان انقطاع آرزو.

آثار آن: یأس از چیزی، آن را همانند عدم قرار می‌دهد و کسی که حیض او قطع می‌شود، او را در چنین حکمی قرار می‌دهد. حکمی که دیگر حیض نمی‌شود و مایوس است از بازگشت به حیض. (۲۹)

اگر در این باره، چنین سؤالی مطرح باشد که آیا یائسه، اصطلاح فقهی است یا قرآنی؟ پاسخ این خواهد بود که یائسه اصطلاح فقهی است و قرآنی نیست. (۳۰)

### نظر مذاهب اسلامی پنجگانه در مورد سن یائسگی به صورت مجمل:

در کتابهای مقارن یا تطبیقی و از جمله کتاب الفقه علی مذاهب الاربعه و مذهب اهل بیت (ع) چنین آمده است:

سن یائسگی برای مذهب مالکی ۷۰ سال و مذهب حنفی ۵۵ سال، مذهب شافعی ۶۲ سال، مذهب حنبلی ۵۰ سال و بالآخره مذهب امامیه ۶۰ سال برای زنان قریشی و ۵۰ سال برای غیره می‌باشد. (۳۱)

حنابله به خاطر این قول عایشه که «**لن تری فی بطنها ولدا بعد خمسين سنه**» روایت کرده‌اند که سن یائسگی ۵۰ سال است. رأی حنفیه نیز ۵۵ سالگی است و شافعی گفته است که حداقل سن آن ۶۲ سالگی است. مالکی نیز روایت کرده است که سن یائسگی ۷۰ سالگی است و اگر بعد از این سن، خون دیده شود، قطعاً اعتبار حیض به آن نیست. (۳۲)

### نظر مذاهب امامیه و بررسی ادله حکم این مذهب در این مورد:

در این بحث ابتدا احادیث مربوطه را ذکر می‌نماییم: در تهذیب الاحکام چنین آمده است: و شیخ رحمه الله گفت که اگر از آنهایی که حیض نمی‌شوند، باشد (فردی که در سن حیض باشد) پس عده آنها سه ماه است و اگر از حیض شدن مایوس شده‌اند (فردی که به سن یائسگی رسیده است) مثل آن است که حیض نمی‌شوند؛ پس برای او عده نیست و حد آن پنجاهسالگی است و بیشترین آن شصتسالگی است. این قول دلالت می‌کند بر آنچه که قبلاً از اخبار گفتیم و نیز دلالت می‌کند بر این قول خداوند:

«**وَالیَیَّسَنَ مِنَ الْمَحِضِ مَنْ نَسَأَتْهُمُ ان**

سن یائسگی برای مذهب مالکی ۷۰ سال و مذهب حنفی ۵۵ سال، مذهب شافعی ۶۲ سال، مذهب حنبلی ۵۰ سال و بالآخره مذهب امامیه ۶۰ سال برای زنان قریشی و ۵۰ سال برای غیره می‌باشد

ارْتَبْتُمْ فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثُهُ أَشْهُرٌ وَالْيَ لِمَ يَحْضِنَ  
وَأُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضِعْنَ حَمْلَهُنَّ  
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»  
(طلاق/۴)

پس واجب است بر کسی که حیض نمی‌شود و گذشته باشد از او برگشت به عده، پس عده او سه ماه است همچنان که روایت شد. (۳۳)

و نیز روایت شده است از محمد بن یعقوب از عده‌ای از اصحاب سهل بن زیاد از ابن ابی نجران از صفوان از عبدالرحمن بن الحجاج که گفت: ابو عبدالله (ع) که سه گروه هستند که می‌توانی هر موقع آنها را به ازدواج درآوری:

کسی که حیض نشده است مثل آن است که حیض نیست و من گفتم: برای آن حدّش چیست؟ گفت: اگر کم‌ترین را به او اختصاص دهی، باید ۹ سالگی باشد و نیز کسی که مدخول نیست و همچنین کسی که از حیض مأیوس است مثل آن است که حیض نیست. گفتم: برای آن حدّش چیست، گفت: اگر او ۵۰ سال داشته باشد. (۳۴) و (۳۵)

و روایت شده است که اگر زن به سن ۵۰ سالگی رسید، خون نمی‌بیند مگر اینکه زن قریشی باشد. (۳۶) احادیث بالا نمونه‌ای از احادیثی بود که بر وجوب

عده بر زن یائسه و نیز بر زنی که حیض نمی‌شود ولی در سن حیض است، دلالت داشت. اکنون به بعضی از احادیثی که بر عدم وجوب عده بر زنان یائسه یا زانی که در سن حیض هستند، ولی حائض نمی‌شوند، دلالت دارند، اشاره می‌کنیم:

صحیح حماد بن عثمان، از ابی عبدالله گفته است: پرسیدم از او از کسی که مأیوس شده است از حیض و کسانی که مثل او حیض نمی‌شوند. گفت: نیست برای آن دو گروه عده‌ای. (۳۷)

مرسله جمیل ابن دراج از بعضی از اصحاب ما از یکی از آنها (ع) در مورد مردی که صغیره‌اش را طلاق داده است که به بلوغ نرسیده است و مثل او حامله نمی‌شوند، پس گفت: برای آن زن عده نیست، اگر دخول کرده باشد.

و این حدیث به صورت مکرر بدین شکل نقل گردیده است: زنی که مأیوس شده است از حیض و حیض او برطرف شده است و مانند او نمی‌زاید. (۳۸)

### نظرات فقهای امامیه در این مورد:

پس حیض او مرتفع شد با رسیدن به ۵۰ سالگی یا ۶۰ سالگی؛ پس عده نگه دارد... (۳۹)

و حدّ آن ۵۰ سالگی است و در قریشی و نبطی، ۶۰ سالگی است... (۴۰)

و حدّ آن ۶۰ سالگی برای هاشمیها و برای بیگانه، ۵۰ سالگی می‌باشد... (۴۱)

۶۰ سالگی برای قریشی و نبطی و یا ۵۰ سالگی برای غیره (۴۲)

و حدّ آن ۵۰ سالگی است و حکم طلاق آن مانند غیربالغ است و اگر خواست طلاق دهد، یائسه از حیض را مانند آن است که آن فرد حیض می‌شود و باید برای پاکي، سه ماه عده نگه دارد و سپس طلاق داده شود و حدّ آن کمتر از ۵۰ سالگی است. (۴۳)

کسی که حیض نمی‌شود... یا به واسطه بزرگی و رسیدن به ۶۰ سالگی در قریشی و نبطی و ۵۰ سالگی در بقیه آنها. (۴۴)

زنان غیر قریشی و غیر نبطی یائسه می‌شوند با رسیدن به سن ۵۰ سالگی و هر کدام از آن دو با رسیدن به ۶۰ سالگی. (۴۵)

نمی‌بیند بعد از ۵۰ سالگی حیض راه، اگر قریشی یا نبطی نباشد، یا بعد از ۶۰ سالگی، اگر یکی از آنها باشد یا قبل از ۹ سالگی که مطلقاً خون حیض نیست. (۴۶)

زن مأیوس می‌شود از حیض، اگر به سن ۵۰ سالگی برسد مگر اینکه زن از قریش باشد، پس آن روایت شده

اگر زنی که به پنجاه‌سالگی نرسیده است، دچار حیض نگردد و علت قطع حیض را نداند، پس تا سن پنجاه‌سالگی صبر کند؛ پس اگر در این مدت حیض شد، آن خون از گروه حیض است و اگر حیض نشد، یائسه می‌باشد

امام خمینی، به نوعی بین وجوب عده برای زن یائسه و عدم وجوب آن برای زن یائسه، جمع کرده است و بنابراین، می‌توان نظر امام را در مورد عده زن یائسه نظریه بینابین تلقی کرد

است که آنها خون می‌بینند تا ۶۰ سالگی و هرگاه بعد از ۶۰ سالگی خون دیدند، آن خون حیض نیست. (۴۷) و آن ۶۰ سالگی است برای قریشی و نبطی و ۵۰ سالگی است برای غیر از آن دو. (۴۸)

برای بعد از ۶۰ سالگی از قریشی و نبطی و یا بعد از ۵۰ سالگی از غیر آنها اعتبار حیض نیست. (۴۹) حیض است کسی که به ۶۰ سالگی از قریشی و نبطی نرسیده است و حیض است برای غیر آنها که به سن ۵۰ سالگی نرسیده‌اند. (۵۰) سن یأس همان ۶۰ سالگی برای قریشی و نبطی و ۵۰ سالگی برای غیر آنهاست... (۵۱)

فقه‌های امامیه در وجوب عده برای زنی که در سن حیض است، ولی حیض نمی‌شود به مدت ۳ ماه اتفاق دارند، ولی در اینکه آیا زنی که به سن یائسگی رسیده است عده دارد یا نه، اختلاف نظر دارند.

همچنین همگی به اتفاق، سن ۵۰ سالگی را برای یائسگی محرز می‌دانند، اما بعضی از فقها در افزایش آن برای قریشی و نبطی سکوت کرده‌اند و برخی نیز فقط قریشی را ذکر کرده‌اند و آن را استثنا از حکم دانسته‌اند. بر سن یائسگی احکامی از جمله: طهارت و طلاق نیز تعلق می‌گیرد که در مورد طلاق در باب عده چنین حکمی حمل می‌شود که زن یائسه، عده ندارد، البته در این مورد که دارد یا نه اختلاف است و زنی که حیض می‌شود، باید سه حیض عده نگه دارد و زنی که حیض نمی‌شود، ولی در سن حیض بودن است باید سه ماه عده نگه دارد.

در مورد حاکم دانستن ۶۰ سال برای فقط قریشی، می‌توان این مثال را علاوه بر مثالهای دیگر ذکر نمود: یائسگی با رسیدن به سن ۶۰ سالگی در قریشی و ۵۰ سالگی در غیر آنها (محقق می‌شود). کسی که مشکوک است در یائسگی‌اش، محکوم به عدم آن است. (۵۲)

اما در مورد سن یائسگی و وجوب عده یا عدم وجوب عده، آراء زیر نیز قابل ملاحظه است:

اگر برسد به سن ۵۰ سالگی و حیض از او رفع شود و مایوس شود از حیض بر او، عده طلاق نیست و روایت شده است که زنان قریشی و نبطی خون را تا سن ۶۰ سالگی می‌بینند. پس اگر آن ثابت باشد، پس بر آنها (یعنی قریشی و نبطی) عده است تا اینکه از ۶۰ سالگی بگذرند. (۵۳)

اگر کسی که حیض نمی‌شود (ولی در سن حیض قرار دارد) مثل آن است که حیض می‌شود؛ پس عده آنها اگر حر باشد، سه ماه است بدون اختلاف و اگر

کنیز باشد، ۴۵ روز است. اما در مورد کسی که به سن ۹ سالگی نرسیده است یعنی صغیر است یا کبیر است به واسطه رسیدن به ۵۰ سالگی همراه با تغییر عادتش و در سن کسانی نیستند که حیض می‌شوند، پس در این مورد (وجوب عده برای کسی که حیض نمی‌بیند) اصحاب ما اختلاف کرده‌اند در وجوب عده بر آنها و از آنها می‌گویند: واجب نیست و بعضی از آنها می‌گویند: واجب است که به عده مشهور (یعنی ۳ ماه یا ۴۵ روز برای کنیز) عمل کند و آن سه ماه است. (۵۴)

یائسه یعنی کسی که به ۵۰ سالگی برسد و یا اگر قریشی و یا نبطی باشد به ۶۰ سالگی برسد و به نظر من (علامه حلی) از جهت عده طلاق او (یائسه) عده ندارد. (۵۵)

و کسی که حیض نمی‌شود، ولی در سن حیض است اگر دخول صورت گرفته باشد و آزاد باشد، از طلاق و فسخ نکاح سه ماه عده نگه دارد و در مورد یائسه دو روایت وجود دارد: یکی از آنها این است که سه ماه عده نگه دارد و دیگری که می‌گوید: عده‌ای بر زن یائسه نیست (عده طلاق یا فسخ) و آخری مشهور است و حد یائسگی این است که به ۵۰ سالگی برسد و گفته شده است در قریشی و نبطی ۶۰ سال است و اگر مثل آن زن حیض می‌شوند، به سه ماه عده نگه دارد و در این امر اجماع وجود دارد. (۵۶)

عده نیست بر صغیره و نیز عده نیست برای یائسه بر اساس رأی مشهور. در مورد حد یائسگی دو روایت وجود دارد که مشهورترین آنها ۵۰ سالگی است. (۵۷)

یأس به شصت رسیدن در زن قریشی و ۵۰ در غیر او محقق می‌شود و احوط آن است که مطلقاً مراعات ۶۰ سال نسبت به ازدواج با دیگری و ۵۰ سال مطلقاً نسبت به رجوع او شود. (۵۸)

امام خمینی، احتیاط را در این مسئله به کار برده است و به نوعی بین وجوب عده برای زن یائسه و عدم وجوب آن برای زن یائسه، جمع کرده است و بنابراین، می‌توان نظر امام را در مورد عده زن یائسه نظریه بینابین تلقی کرد.

### بررسی ادله برخی از فتاوا:

مؤلف السرائر بعد از ذکر دو قول در مورد وجوب یا عدم وجوب عده بر زن یائسه، وجوب عده بر زن یائسه را یکی از فتوهای سید مرتضی می‌داند و چنین می‌گوید:

و آن را اختیار کرده است سید مرتضی (یعنی وجوب عده را) و تمام همپیمانانش آن را گفته‌اند و دلیل آورده







است در صحت آنچه به آن قائلند که: راه احتیاط اقتضاء می‌کند آن را و نیز قول خداوند متعال در سوره طلاق، آیه ۴ (۵۹).

و مؤلف تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله در مورد وجوب عده بر زن یائسه یا عدم وجوب آن چنین می‌گوید:

محقق در شرایع ذکر کرده است که در مورد یائسه دو روایت ذکر گردیده است: یکی از آنها اینکه سه ماه عده نگه دارد و دیگری اینکه عده نیست بر زن یائسه و این مشهور است.

اصل در سخن اول (وجوب عده) اگر آیه ۴ سوره طلاق باشد که سید مرتضی قائل به این نظر است (الاتصار: ۳۳۴-۳۳۶، الفیه: ۳۸۲) و از نظر جواهر نیز معلوم است که او (صاحب جواهر) قائلین به قول اول را عده معدودی می‌شناسد، بلکه ظاهر است که به غیر از یکی ادعای اجماع کرده است. (المقنعه: ۵۳۳-۵۳۲، النهایه: ۵۳۲-۵۳۳، الخلا: ۵۳/۵، المقنح: ۳۴۵، المراسیم: ۱۶۶، الکافی فی الفقه: ۳۱۲، الوسیله: ۳۲۵، السرائر: ۷۳۳/۲، المهذب: ۳۱۵/۲-۳۱۶، ریاض المسائل: ۳۶۷/۷) در رویارویی با آن (جواهر الکلام: ۲۳۳/۳۲) که مانعی ندارد که حمل سخن او را یعنی عده کسی که حیض نمی‌شود و مأیوس است را بر کسی که در سن حیض است، ولی حیض نمی‌شود. (۶۰)

و ما می‌گوئیم که آنها می‌گویند (قائلین به عدم وجوب عده بر زن یائسه) که این آیه (آیه ۴ سوره طلاق) بر ثبوت عده بر آنها (زن یائسه و یا صغیره) دلالت نمی‌کند به صورت مطلق؛ بلکه آیه مقید است به اینکه «ان یرتیم» و این قید، یعنی اینکه حکم عده را بر زن مطلقاً یائسه باز نکنیم؛ بلکه بر زنی که شک دارد و او در واقع شک می‌کند که به سن یائسگی رسیده است یا نه و در حقیقت شک می‌کند که عدم حیض شدن مستند به یائسگی است یا اینکه در نتیجه بیماری یا غیره است. (۶۱)

در کتاب مستمسک العروه الوثقی نیز مؤلف کتاب در دلیل اینکه مشکوک در یائسگی محکوم به عدم آن است، استحباب (استصحاب) را ذکر می‌کند. (۶۲)

در همان کتاب، یعنی مستمسک العروه الوثقی مؤلف کتاب در دلیل حاصل شدن یائسگی با رسیدن به سن ۶۰ در قریشی و ۵۰ در غیر آنها می‌آورد:

دلیل آن، مرسل ابن ابی عمیر است: «اذا بلغت المرأه خمسین سنه لم تر حمراه الا ان تکون امرأه من قریش» و مانند آن مرسل الفقیه است (الوسائل باب: ۳۱ فن ابواب الحیض، حدیث: ۷)

بلکه ظاهر آن است. و اشکال ندارد عدم صراحت در حیض در آنها، بلکه ظهور آنها در دلیل بودن کفایت می‌کند. همچنان که اشکال ندارد عدم تحدید روایت به ۶۰ سال به خاطر کفایت روایت ۶۰ سال در آن، اضافه بر اینکه سخن را به صورت جدا از هم (یعنی قریشی و ۵۰ را با هم آورده است) نیاورده است. در مرسل المبسوط است که تصریح می‌کند که او خون می‌بیند تا ۶۰ سالگی. (الوسائل، باب: ۳۱، من ابواب الحیض، حدیث: ۵) چرا که مرسله بودن همه آنها اشکالی ندارد به خاطر عمل صحابه به آن (انجبار)؛ بلکه مرسل ابن ابی عمیر صحبت است همانند مسندش. (۶۳)

و اما در مورد دلیل الحاق قوم نبطی به قریشی در سن یائسگی نیز چنین می‌آورد: این از شیخ مفید و جماعتی است که نبطی را به قریشی ملحق کرده‌اند؛ بلکه از جماعتی نسبتاً مشهور است و برای آن دلیل ظاهری نیست غیر از آنچه شیخ مفید در طلاق المقنعه ذکر کرده است از سخنش که: «روایت شده است زنان از قریش و نیز نبطیها تا ۶۰ سالگی خون می‌بینند و اگر آن درست و ثابت باشد، بر آنها عده است تا اینکه از ۶۰ سال عبور کنند.» (الوسائل، باب: ۳۱ من ابواب الحیض، حدیث: ۹) که یاری می‌کند روایت مطلق ۶۰ سالگی ذکر شده را و جماعت مشهوری نیز به آن عمل کرده‌اند (انجبار). (۶۴)

### نظر مذهب حنبلی و بررسی آن در ادله حکم مربوطه:

یائسه یعنی کسی که حیض نمی‌شود و عده آن را

مؤلف السرائر بعد از ذکر دو قول در مورد وجوب یا عدم وجوب عده بر زن یائسه، وجوب عده بر زن یائسه را یکی از فتوهای سید مرتضی می‌داند





خداوند تعالی در کتابش آورده است: (طلاق، ۴).

مردم در حد یائسگی اضطراب شدید دارند و حد آن ۵۰ سالگی است و می‌گوید: حیض نمی‌شود زن بعد از ۵۰ سالگی که این قول، قول اسحاق است و روایت از احمد (ره) و دلیل آورده است به این قول عایشه (رض): اگر رسید به ۵۰ سال، از حد حیض خارج می‌شود. (المعنی: ج ۱، ص ۴۶۶) (۶۵)

اما نظراتی که در آنها ۵۰ سال مطلق ذکر نشده به نسبت بیشتر است از جمله:

در دلیل (و لا بعد خمسين سنه) آمده است که به خاطر این قول عایشه که: «اگر زن رسید به ۵۰ سال، از حد حیض بودن خارج می‌شود» که مؤلف کتاب منار السبیل در مورد این حدیث می‌نویسد: محل حدیث ذکر نشده است و مؤلف می‌گوید که در کتابی از قرائت احمد این را نیافتیم. که در ادامه می‌گوید و این حدیث از احمد نیز ذکر شده است و از اوست: اگر تکرار شد خون، پس آن تا ۶۰ سال حیض است و این درست است که چون یافت شده است، گفته است در الکافی. (۶۶)

امام احمد بن حنبل در العمده می‌نویسد: و کم ترین سن برای زن، ۹ سال و بیشترین آن ۶۰ سال است.

بهاءالدین عبدالرحمن بن ابراهیم المقدسی در شرح این مطلب می‌نویسد: «بیشترین آن ۶۰ سال است» برای اینکه اگر به این سن برسد، یائسه می‌شود برای اینکه خودش را در عادت حیض نمی‌یابد. پس اگر خونی دید، آن خون فساد است و به آن اعتنایی نکند. و از اوست که بیشترین آن ۵۰ سالگی است، پس اگر بعد از ۵۰ سالگی خونی دید، در آن دو روایت وجود دارد: یکی از آنها این است که آن همچنان، خون فساد است برای اینکه عایشه گفته است: اگر زن به ۵۰ رسید، از حد حیض خارج می‌شود و دومین روایت اینکه اگر تکرار شد، پس آن خون حیض است و این آخری صحیح‌تر است برای اینکه آن را می‌توان یافت و نیز روایت شده است که هند دختر ابی عبیده بن عبدالله بن زمعه، موسی بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی (رض) را در ۶۰ سالگی متولد کرده است. (المعنی: ج ۱، ص ۴۴۶)

زبیر بن بکار در کتاب نسب گفته است که نمی‌زاید زن پنجاه‌ساله مگر اینکه عربی باشد و نمی‌زاید زن ۶۰ ساله مگر اینکه قریشی باشد و نیز از اوست که زنان غیرعرب نیز در ۵۰ سالگی یائسه می‌شوند و زنان عرب در ۶۰ سالگی یائسه می‌شوند برای اینکه آنها طبیعت و مزاج قوی دارند. (۶۷)

در کتاب جامع الفقه نیز برای امام احمد بن حنبل پنج روایت وجود دارد:

اول: زن بعد از ۵۰ سالگی حیض نمی‌شود. دوم: زن بعد از ۶۰ سالگی حیض نمی‌شود. سوم: فرق است بین زنان عرب و غیره، سن یائسگی در زنان عرب، ۶۰ سال و در زنان غیر عرب ۵۰ سال است. چهارم: اگر زن بین ۵۰ و ۶۰ خون مشکوکی دید، روزه بگیرد و نماز بخواند و روزه واجب را قضا کند که این رأی را محمد بن عبدالحسین الخرقی اختیار کرده است. پنجم: اگر بعد از ۵۰ سال خونی دید و تکرار شد، آن حیض است و گرنه نیست. (۶۸)

در کتاب «الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف» نیز نظرات مشابهی که ذکر شد، آمده است که مجال برای ذکر نیست. (۶۹)

ابن مفلح ضمن بیان دیدگاههای فوق چنین می‌گوید:

«و صحیح آن است که اگر به سن ۵۰ رسید و حیض او بدون سبب قطع شد از عادت، پس او یائسه است و اگر قبل از ۵۰ سالگی قطع شد، رفع نمی‌شود از او عده مانند کسی که بعد از ۵۰ سالگی حیض شده است و اگر بعد از ۵۰ سالگی عادت حیض دید، پس آن حیض است و اگر بعد از ۶۰ سالگی دید، یقین کند که آن حیض نیست و به آن خون اعتماد نکند.» (۷۰)

### نظر مذهب حنفی و بررسی مجمل در فتاوی صادر شده:

در مورد تحدید سن یائسگی به ۵۵ سال دیدگاه ذیل مطرح است:

باید با ثبوت حیض عده را قضا کند. اینکه بگوئیم یائسگی، اعتبار مدت دارد یا ندارد، مساوی است. در قرآن دو روایت داریم: در یک روایت بر آن تقدیری نیست (اندازه ندارد) و یائسه شدن به این ترتیب است که به سنی برسد که مثل او حیض نمی‌شوند و وقتی به این سن رسید و خون از او قطع شد، حکم به یائسگی می‌دهیم و اگر بعد از آن خونی دید، آن خون حیض است. براساس این روایت عده یائسگی باطل است.

در روایتی دیگر نیز چنین بیان گردیده است سن ۵۵ برای یائسگی و آن روایت حسن است و بیشتر مشایخ بر این مبنا هستند و بر آن فتوا می‌دهند و از محمد است که اندازه آن در رومیها ۵۵ سال است و در غیر آنها ۶۰ سال است و نیز از اوست ۷۰ سال که صفار نیز آن را گفته است.

ابوللیث گفته است: اگر حیض شد پس خون از

امام احمد بن حنبل در العمده می‌نویسد:

و کم ترین سن برای زن، ۹ سال و بیشترین آن ۶۰ سال است.

بهاءالدین

عبدالرحمن بن

ابراهیم المقدسی

در شرح این

مطلب می‌نویسد:

«بیشترین آن ۶۰

سال است» برای

اینکه اگر به این

سن برسد، یائسه

می‌شود برای اینکه

خودش را در عادت

حیض نمی‌یابد. پس

اگر خونی دید، آن

خون فساد است و

به آن اعتنایی نکند

اوقطع شد، برسد به ۶۰ سال و عده نگه دارد و اگر عادت خواهران و مادرش انقطاع حیض قبل از ۶۰ سال است، عادت آنها را بگیرد و بعد از ۶۰ سال به عادت آنها توجه نکند.

اقطع گفته است: پس اگر خون بعد از آن سن دید، آن حیض نیست مانند آنکه صغیره خون می بیند که آن حیض نیست (۷۱) و مانند آن، اما تحقیق یائسگی موقوف می باشد به ادامه و مستمر بودن انقطاع خون و من در آن دلیلی نمی بینیم جز آنچه از لفظ یائسه فهمیده می شود و اقتضای لفظ به آن است.

پس نقض نمی شود آنچه گذشت به خاطر وجود شرط مایوس بودن از برای سببش و آن قطع شدن به خاطر سن است که در آن مرتفع شدن حیض، غالب است و آن ۵۵ سالگی است و جایز نیست در سن بالاتر از ۵۵ سال دچار حیض گردد به دلیل بیماری مگر اینکه حیض باشد و از عادت خارج شود؛ پس اگر یأس محقق شد، حکم آن محقق می شود و هنگامی که حکم آن

محقق شد، خداوند سبحان داناترین است. (۷۲) اما نظراتی از جمله نظرات زیر به نسبت انعطاف پذیرتر از نظر بالایی هستند:

بازگشت به حیض، یائسگی را باطل می کند. (۷۳) اگر کسی باشد که حیض می شود، طهر خود را ادامه دهد و تا زمانی که با حیض این گونه عده نگه می دارد، داخل در حد یائسگی نشده است. (۷۴)

اگر آن زن، یائسه باشد عده مشهور را نگه می دارد، ولی اگر خون دید، آنچه را که عده نگه داشته بود، منتهی می شود و بر اوست که عده حیض را از اول بگیرد. (۷۵)

اگر یائسه باشد، پس عده آن همان عده مشهور است، ولی اگر خون دید، آنچه را که از عده نگه داشته بود منتهی می شود بر اوست که عده حیض را از اول بگیرد و معنای آنکه «اگر خون دید بر حسب عادت» برای این است که برگشت به حیض، یائسگی را باطل می کند و آن همان گونه است که در هدایه آمده است. (۷۶)

زبیر بن بکار در کتاب نسب گفته است که نمی زاید زن پنجاه ساله مگر اینکه عربی باشد و نمی زاید زن ۶۰ ساله مگر اینکه قریشی باشد و نیز از اوست که زنان غیر عرب نیز در ۵۰ سال یائسه می شوند و زنان عرب در ۶۰ سال یائسه می شوند برای اینکه آنها طبیعت و مزاج قوی دارند





ابن تیمیہ  
گفته است: یائسگی  
به اختلاف زنان،  
مختلف است و به  
آن حدی نیست که  
زنان متفق باشند و  
مراد از آیه ۴ سوره  
طلاق، این است  
که یاسی هر زنی  
از خودش است  
برای اینکه یاس  
ضد امید است و  
اگر زنی از حیض  
دیدن مایوس شد  
و به برگشت به آن  
امید نداشت، پس  
او یائسه است اگر  
چه چهل ساله یا  
مانند آن باشند و غیر  
از او شاید مایوس  
نشوند حتی اگر ۵۰  
ساله باشد

زنان خانواده پدری و مادری پس اگر به سنی رسید که در آن سن حیض زنان خانواده اش قطع می شود و حیض این زن نیز قطع شد پس او یائسه است و اگر قبل از آن قطع شد، یائسه نمی باشد و در آن قول دیگری است که در آن سن یائسگی زنان دنیا اعتبار دارد و آن ۶۲ سال است. (۷۹)

سن یاس که در قول جدید است، به مقیاس سن یاس نزدیک ترین خویشاوندان پدری و مادری اعتبار می گردد و قولی می گوید: به مقیاس سن یاس، تمام بانوانی که از اموال آنها آگاهییم اعتبار می گردد، می گویم این قول ظاهرتر است والله اعلم. (۸۰)

اگر حیض زن، رفع شده باشد و رفع شدن آن را نداند، قرار می دهیم. او را یائسه بعد از ۹ ماه عده، ولی اگر بداند که حیض خودش رفع شده است: اگر چه با دارو و می داند که دیگر حیض از او نمی آید و یا اگر چه با عادت از نزدیکان و خانواده اش بر او مستقر شده باشد، اولی آن است که این زن، یائسه محسوب شود و اگر به سن ۵۰ نرسیده باشد، ولی آن به واسطه مرض موقت یا شیر دادن یا حاملگی رفع شده باشد (به علت موقت بودن) پس او یائسه نیست، پس اگر آن از بین رفت (۸۱) از او نیست که در آن مدت، یائسگی را معلوم کند و بعد از آن دو قول وجود دارد:

**اول:** به سن اقارب و نزدیکان زن شناخته می شود.

بعدها و از جمله شیخ الاسلام ابن تیمیہ گفته است: یائسگی به اختلاف زنان، مختلف است و به آن حدی نیست که زنان متفق باشند و مراد از آیه ۴ سوره طلاق، این است که یاس هر زنی از خودش است برای اینکه یاس ضد امید است و اگر زنی از حیض دیدن مایوس شد و به برگشت به آن امید نداشت، پس او یائسه است اگر چه چهل ساله یا مانند آن باشد و غیر از او شاید مایوس نشوند حتی اگر ۵۰ ساله باشد. (۷۷)

یائسگی به خاطر وجود علت و سبب آن است و آن علت، همانا انقطاع حیض است که در این مدت غالباً رفع می شود و آن سن، ۵۵ سالگی است و اگر در آینده خونی خارج شود از باب بیماری و فساد نیست؛ بلکه حیض است پس اگر یائسگی محقق شود حکم آن محقق می شود و اگر حیض تحقق پیدا کند، حکم حیض جاری می شود. (۷۸)

### دیدگاه مذهب شافعی:

اگر طلاق داده شد زنی که به سن یائسگی رسیده است و حیض آن زن قطع شده باشد، واجب است بر او که عده نگه دارد و همچنین اگر قطعاً حیض نشود و اگر در سنی باشد که زنان در آن حیض می شوند به خاطر قول خداوند متعال در سوره طلاق، آیه ۴. و اما اعتبار دارد در سن یائسگی که برسد به: از طرف





**دوم:** به سن یائسگی همه زنان بستگی دارد.

در مورد روایت اول در مورد اینکه آیا همه اقارب منظور است یا عصبه زن یا زنان شهر خاص، سه جواب وجود دارد و اگر در اقارب، سن آنها مختلف باشد به کم ترین مدت یا بیشترین مدت یا به اکثریت زنان اقارب، عمل کند که در اینجا نیز سه جواب وجود دارد.

در مورد روایت دوم این سؤال مطرح است که آیا آن حدی دارد یا نه؟ جواب بر دو قسم است:

یکی اینکه حدی ندارد و آن ظاهر عبارت ذکر شده است و دوم اینکه برای آن حدی است و در این مورد، اختلاف کرده‌اند که یکی از این روایات، سن آنها شصت‌سالگی است که ابوالعباس بن القاص و شیخ ابوحامد بر این باورند و روایت دوم سن ۶۲ سال است که شیخ ابواسحاق در المهدب، و ابن الصباغ در الشامل گفته است. (۸۲)

### مذهب مالکی:

اصحاب مالک (ره) سن یائسگی را به سن قطعی و حتمی محدود نکرده‌اند. (۸۳)

### نکته آخر:

بعد از نظرات مذاهب ذکر شده در پایان، می‌توان چند نمونه از دیدگاههایی که با سایر دیدگاهها متفاوت است را بیان کرد:

شیخ الاسلام ابن تیمیه چنین عقیده دارد: «سن یائسگی به اختلاف زنان و از زنی به زن دیگر مختلف است و برای آن حدی نیست که همه زنان در آن متفق باشند.» این نظر را سیدمحمد غروی نیز تأیید می‌کند. (۸۴)

و این اقتضا دارد که هر که موافق عمر(رض) است در جانشینان و قبل از آن که زن می‌تواند یائسه شود قبل از ۴۰ و ۵۰ و همانا برای یائسگی در نزد آنها وقت مشخصی نیست، بلکه ممکن است زنی یائسه شود اگر چه آن زن، ۳۰ ساله باشد و غیر از خودش یائسه نشوند اگر چه پنجاهساله باشند. (۸۵)

در این شک و تردیدی نیست که طول حیض و کوتاهی آن وابسته به اختلاف مزاج و غذا و امثال آن است و لذا نمی‌توان این طول و قصد مدت را از روی ضابطه مقدر کرد که خلاف آن نتواند باشد، لذا صحیح‌تر این است که آن عبارت را به عادت زنان ارجاع دهیم؛ پس اگر زن، آن را حیض می‌داند، آن حیض به حساب می‌آید و اگر آن را استحاضه قرار می‌دهد، استحاضه محسوب می‌شود. منشأ اختلاف صحابه و تابعین در

این باره، وابسته به استقرار (مشاهدات محدود) و تقریب (احتمال) است. (۸۶)

محمدجواد مغنیه بعد از اطلاق عبارت «اشتباه در تطبیق» برای نظرات مخالف واقعیت امروزه چنین می‌گوید که: به بیان اقوال مذاهب اسلام در مورد کم ترین و بیشترین مدت حاملگی و غیره می‌پردازیم که بر کسی واجب نیست تدبیر به چیزی که از ظاهر عبارات آنها اگر مخالف واقع باشد. (۸۷)

### نتیجه گیری:

بر اساس مطالب ذکر شده در این مقاله، چنین استنباط می‌گردد که در مورد سن یائسگی، اگر در صدد برطرف نمودن تضاد میان فقه و طب برآئیم، به نظر می‌رسد به این صورت می‌توان راه‌حلی ارائه کرد که تعیین سن یائسگی در فقه در این مبحث، موضوعیت ندارد و می‌توان تعیین سن از نظر اسلامی و از نظر مذاهب گوناگون را از قطعیت خارج کرد و به عنوان یک حکم تعبدی و توقیفی نگاه نکرد؛ بلکه آن را محدود نکرد و این به این معنا نیست که احکامی که مرتبط با یائسگی است را رها کرد؛ بلکه به این معنا که احکام مرتبط از جمله عده و رجوع و ازدواج و طلاق را می‌توان به یائسگی ارتباط داد و نه بر سن یائسگی و به این صورت این دوگانگی میان فقه و طب را حل کرد. به این ترتیب نه تنها از اهمیت و ارزش فقه و طب کاسته نخواهد شد؛ بلکه هر دو در جایگاه رفیع خود درخشان می‌مانند و همچنان بر نقطه‌ای واحد می‌تایند.

### پی‌نوشتها:

۱. اوجدا، لیندا، یائسگی بدون دارو، ص ۱۴.
۲. انوری، دکتر حسین، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۸، ص ۸۵۱۲ (عربی) / فا. فارسی / حا. مص. حاصل مصدر / ص. صفت
۳. یائسگی بدون دارو، ص ۱۹.
۴. زاهدی، حمید، فیزیولوژی قاعدگی، ص ۵۴ و ص ۵۵.
۵. باداری، شاکوکی، درمان بالینی دوران یائسگی، ص ۴۲.
۶. اس. برگ، جانانان، بیماریهای زنان نواک، ج ۲، ص ۹۵۴.
۷. پایان‌نامه بررسی سن متوسط یائسگی و پارامترهای مربوط به آن، میزان استفاده از HRT در زنان یائسه شهریزد در سال ۱۳۷۷، الهام آقا کوچک، فرسامدنی، زهره نفریان، ص ۱۰.
۸. یائسگی بدون دارو، ص ۱۹.
۹. وزیر، بزرگمهر، بهداشت زن و کودک، ص ۱۷.
۱۰. لیندا، لوسلا، هورمون درمانی آری یا نه؟، ص ۱۸۰.
۱۱. المار، ساکالا، مامایی و زنان، ص ۴۹.
۱۲. تظاهرات اصلی و درمان بیماریها، بیماریهای زنان

در این شک و تردیدی نیست که طول حیض و کوتاهی آن وابسته به اختلاف مزاج و غذا و امثال آن است و لذا نمی‌توان این طول و قصد مدت را از روی ضابطه مقدر کرد که خلاف آن نتواند باشد، لذا صحیح‌تر این است که آن عبارت را به عادت زنان ارجاع دهیم؛ پس اگر زن، آن را حیض می‌داند، آن حیض به حساب می‌آید و اگر آن را استحاضه قرار می‌دهد، استحاضه محسوب می‌شود. منشأ اختلاف صحابه و تابعین در این باره، وابسته به استقرآء (مشاهدات محدود) و تقریب (احتمال) است

- ابی زکریا یحیی بن احمد بن یحیی بن الحسن بن سعید الهزلی، ص ۴۲۹.
۴۵. سلسله ینابیع الفقهیه، کتاب الطهاره، جلد دوم- ارشاد الاذهان، علامه حلی، ص ۲۴۹.
۴۶. همان- تبصره المتعلمین، علامه حلی، ص ۲۳۵.
۴۷. همان- المبسوط، ابی جعفر محمد بن الحسن طوسی، ص ۱۸۳.
۴۸. همان، البیان، شهید اول، ص ۳۴۰.
۴۹. همان- المحدر فی الفقه، شیخ جمال الدین ابوالعباس احمد بن شمس الدین محمد بن فهد الاسدی الحلی، ص ۴۰۲.
۵۰. همان- الموجز الحاوی، احمد بن شمس الدین محمد بن فهد الاسدی الحلی، ص ۴۱۷.
۵۱. همان- قواعد الاحکام، علامه حلی، ص ۶۵۵.
۵۲. مستمسک العروه الوثقی، جلد سوم، ص ۱۵۷.
۵۳. سلسله ینابیع الفقهیه، کتاب طلاق، جلد اول- المقنعه، شیخ مفید، ص ۳۱.
۵۴. همان- السرائر، ص ۳۵۵.
۵۵. همان، قواعد الاحکام، علامه حلی، ص ۴۶۱.
۵۶. همان- شرایع الاسلام، محقق حلی، ص ۳۸۳.
۵۷. همان- المختصر النافع، محقق حلی، ص ۴۱۸.
۵۸. اسلامی، علی، ترجمه تحریر الوسیله، جلد سوم، ص ۵۹۷.
۵۹. سلسله ینابیع الفقهیه، کتاب الطلاق، جلد اول- السرائر، ص ۳۵۵.
۶۰. تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، جلد الطلاق و الموارث، ص ۹۶.
۶۱. همان، ص ۱۰۰.
۶۲. مستمسک العروه الوثقی، جلد سوم، ص ۱۵۷.
۶۳. همان، محسن طباطبائی الحکیم، جلد سوم، ص ۱۵۳ و ۱۵۴.
۶۴. همان، ص ۱۵۴.
۶۵. الجوزیه، امام ابن قیم، جامع الفقه، جلد ششم، ص ۱۱۳.
۶۶. شیخ ابراهیم بن محمد بن سالم بن صفیان، منار السبیل فی شرح الدلیل فی مذهب امام احمد بن حنبل، جلد اول، ص ۴۹.
۶۷. المقدسی، بهاء الدین عبدالرحمن بن ابراهیم، العده شرح العمده، کتاب الطهاره، باب الحيض، ص ۵۳.
۶۸. جامع الفقه، جلد ششم، ص ۱۱۳.
۶۹. حنبلی، مردادی سعیدی، الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف، جلد نهم، ص ۲۹۳، ۲۹۴.
۷۰. الحنبلی، محمد بن مفلح، المبدع فی شرح المقنعه، المورخ جلد هشتم، ص ۱۲۲.
۷۱. مرغینانی، برهان الدین، الهدایه شرح بدایه المبتدی، جلد دوم، ص ۲۸۶.
۷۲. همان، ص ۲۸۷.
۷۳. کمال الدین محمد بن عبدالواحد السیواسی ثم اسکندری، شرح فتح القدر، جلد چهارم، ص ۶۲۴.
۷۴. الغنیمی الميدانی، شیخ عبدالغنی، اللباب فی شرح الکتاب، کتاب العده، جلد اول، ص ۲۰۱.
۷۵. البغدادی الحنفی، ابوالحسن احمد بن محمد، مختصر القدری، کتاب العده، ص ۳۲۷.
۷۶. شیخ نظام الدین و جمعیتی از علمای هند، الفتاوی الهندیه، جلد اول، ص ۶۳۴.
۳۰۹. CMMD، ص ۳۰۹.
۱۳. ساداتیان، سید اصغر و قره خانی، پرویز، اصول بیماریها و بهداشت زنان کستینر، کنث جی / رایان / ... [دیگران]، ص ۶۳۳.
۱۴. پایان نامه بررسی سن متوسط یائسگی و پارامترهای مربوط به آن و میزان استفاده از HRT در زنان یائسه شهرستان یزد در سال ۱۳۷۷، الهام آقا کوچک، فرسا مدنی، زهره نفریان، ص ۳۰.
۱۵. همان، ص ۱.
۱۶. همان، ص ۳۹.
۱۷. یائسگی بدون دارو، ص ۲۰ و ص ۲۱.
۱۸. اس. برک، جانانان، بیماریهای زنان نواک، ج ۲، ص ۹۵۴.
۱۹. المار، ساکالا، مامایی و زنان، ص ۴۰۹.
۲۰. ساداتیان، سید اصغر، نقره خانی، پرویز، تظاهرات اصلی و درمان بیماریها، بیماریهای زنان CMMD، ص ۳۰۹.
۲۱. هورمون درمانی آری یا نه؟، ص ۱۹.
۲۲. لیندا، لوسلا، هورمون درمانی آری یا نه؟، ص ۲۲.
۲۳. اصول بیماریها و بهداشت زنان کستینر، ص ۶۳۳.
۲۴. پایان نامه بررسی سن متوسط یائسگی و پارامترهای مربوط به آن و میزان استفاده از HRT در زنان یائسه شهر یزد در سال ۱۳۷۷، ص ۳۳.
۲۵. همان، ص ۴۱.
۲۶. همان، ص ۲۲ و ۲۳.
۲۷. معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه، جلد اول، ص ۳۰.
۲۸. قلعه جی، دکتر محمد رواس، الموسوعه الفقهیه، جلد اول، ص ۱۶ و ۱۷.
۲۹. الموسوعه الفقهیه، ص ۱۹۸۶.
۳۰. تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، لنکرانی، شیخ محمد فاضل، جلد الطلاق و الموارث، ص ۱۰۴.
۳۱. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه و اهل بیت (ع)، جلد چهارم، صص ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۸.
۳۲. الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، جلد نهم، ص ۷۱۸۳.
۳۳. تهذیب الاحکام، ص ۲۱۹۹، مسئله ۱۰۴۰۵ (جلد دوم).
- ۳۴ و ۳۵. تهذیب الاحکام، ص ۲۲۰۳، مسئله ۱۰۴۷۹ (جلد دوم) - الاستیصار، ص ۲۶۶۵، مسئله ۴۲۴۸ (جلد دوم).
۳۶. من لا یحضره الفقیه، ص ۱۴۵۰، مسئله ۴۸۱۷ (جلد اول).
۳۷. تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، ص ۹۴.
۳۸. همان، ص ۹۴.
۳۹. مروارید، علی اصغر، سلسله ینابیع الفقهیه، کتاب الطلاق، جلد دوم- نزهه الناظر، محقق یحیی ابن سعید العلی، ص ۴۶۴.
۴۰. همان - تلخیص المرام، کتاب الطلاق، ص ۵۰۳ و کتاب الطهاره، ص ۲۶۶.
۴۱. همان - فقه القرآن، سعید بن عبدالله بن الحسین بن هبه الله بن الحسن الراوندی، ص ۲۰۱، کتاب الطلاق.
۴۲. همان - کتاب الطهاره، جلد دوم - الدروس الشرعیه، شهید اول، درس ۶ ص ۲۹۴.
۴۳. همان، کتاب الطلاق، جلد اول - اصباح الشیعه، نظام الدین ابی الحسن سلمان بن الحسن بن سلیمان، ص ۲۸۵.
۴۴. همان - کتاب الطلاق، جلد اول - الجامع الشرایع، شیخ

۷۷. جامع الفقه، جلد ششم، ص ۱۱۴.
۷۸. ابن عابدین، حاشیه ردالمحتار، جلد سوم، ص ۵۶۶.
۷۹. البغوی، امام ابی محمد الحسین، التهذیب فی فقه امام شافعی، جلد ششم، ص ۲۴۱.
۸۰. امام نووی، قادرمرزی، مسعود، ترجمه منهاج الطالبین (راه دین)، کتاب العدد، ص ۲۱۳.
۸۱. جامع الفقه، جلد ششم، ص ۱۱۴.
۸۲. همان، ص ۱۱۳.
۸۳. همان، ص ۱۱۴.
۸۴. الغروی، سیدمحمد، فقه السنه و فقه الشیعه، جلد دوم، ص ۳۳۱.
۸۵. جامع الفقه، جلد ششم، ص ۱۱۴.
۸۶. محدث دهلوی، امام شیخ احمدشاه ولی الله، حجه الله البالغه، مترجم: سیدمحمد یوسف حسین پور، جلد اول، ص ۵۱۰.
۸۷. مغنیه، محمدجواد، الفقه علی مذاهب الخمسه، ص ۳۶۰.

### فهرست منابع:

#### الف) منابع استفاده شده در فصل اول:

۱. اس. برگ، جانانان، بیماریهای زنان نواک، بهران قاضی جهانی، روشک قطبی، حمید مؤید، علیرضا مهرورز، مهرا کتابی، سهیلا انصاری پور، نیکی مهرداد، ملک منصور اقصی، گلپان، ۱۳۸۲.
۲. الما، ساکالا، مامایی و زنان، هاجر پاشا و افسانه بختیاری، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل، ۱۳۸۰.
۳. ساداتیان، سید اصغر و قرهخانی، پرویز، تظاهرات اصلی و درمان بیماریهای زنان CMMMD، نور دانش، ۱۳۸۳.
۴. جی، کنث و رایان و ... [و دیگران]، اصول بیماریها و بهداشت زنان کستینر، بهرام قاضی جهانی و روشک قطبی، مهرا کتابی و صوفیا کاظمزاده، انتشارات گلپان، ۱۳۸۲.
۵. لیندا، لوسلا، هورمون درمانی آری یا نه؟، منیژه شیخ جواد، نشر پیکان، ۱۳۸۲.
۶. (پایان نامه) بررسی سن متوسط یائسگی و پارامترهای مربوط به آن و میزان استفاده از HRT (درمان هورمون جانشینی) در زنان یائسه شهر یزد در سال ۱۳۷۷، الهام آقا کوچک، فرسا مدنی، زهره نفریان، سال تحصیلی ۷۷-۷۶، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، دانشکده پزشکی، استاد راهنما: دکتر افسر السادات طباطبائی بافقی.
۷. بادوای، شادکی، درمان بالینی دوران یائسگی، اسماعیل پور و حسین پور شجاعی تهرانی، موسسه فرهنگی انتشاراتی دهبسرا، ۱۳۸۱.
۸. معصومی، سید وهاب و صارمی، ابوطالب، فیزیولوژی قاعدگی، یائسگی و درمان آن، تدوین حمید زاهدی، ۱۳۶۶.
۹. وزیر، بزرگمهر، بهداشت زن و کودک، نشر نی، ۱۳۷۱.
۱۰. اوچدا، لیندا، یائسگی بدون دارو، ترجمه: آیدا برهمند، موسسه فرهنگی انتشاراتی تیمورزاده، ۱۳۸۰.
۱۱. انوری، حسین، فرهنگ بزرگ سخن، جلد هشتم، انتشارات سخن.

#### ب) منابع استفاده شده در فصل دوم:

۱. امام ابن الجوزیه، جامع الفقه، جمع و اخراج احادیث از سیری السید محمد، جلد ششم، انتشارات دارالوفا، چاپ اول،

- ۱۴۲۱ ه. ق.
۲. مغنیه، محمدجواد، الفقه علی مذاهب الخمسه، ناشر: موسسه الصادق للطباعه و النشر، ۱۳۷۷ ه. ش ۱۹۹۷ م.
۳. لنکرانی، شیخ محمد فاضل، تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله، جلد الطلاق والمواریث، مرکز فقه ائمه اطهار، ۱۴۲۱ ه. ق.
۴. الکتب الاربعه، تنظیم: صادق برزگر بفروئی، چاپ و نشر انصاریان، جلد اول و دوم، قم، ۱۳۸۲ ه. ق.
۵. محدث دهلوی، امام شیخ احمد شاه ولی الله، الحجه الله البالغه، ترجمه: سیدمحمدیوسف حسین پور، انتشارات شیخ الاسلام و احمد جام، ۱۳۸۱.
۶. ابراهیم بن محمد بن سالم بن صفریان، منارالسبیل شرح الدلیل فی مذهب امام احمد ابن حنبل، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۷ م ۱۴۱۸ ه. ق.
۷. معجم المصطلحات والألفاظ الفقهیه، جلد اول.
۸. طباطبائی الحکیم، سیدمحمدحسن، مستمسک الوثقیه، جلد سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت لبنان، ۱۴۱۱ ه. ق ۱۹۹۱ م.
۹. ابن عابدین، حاشیه ردالمختار، جلد سوم، دارالفکر، ۱۴۲۱ ه. ق.
۱۰. غروی، سید محمد، فقه السنه و فقه الشیعه، جلد دوم، دارالهادی، ۱۴۲۱ ه. ق.
۱۱. النجوی، امام ابی محمد الحسین، التهذیب فی فقه امام شافعی (ره)، جلد ششم، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ه. ق، ۱۹۹۷ م.
۱۲. کمال الدین محمد بن عبدالواحد السیواس ثم السکندری، شرح فتح القدر، جلد چهارم، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه. ق.
۱۳. مرغینانی، برهان الدین، الهدایه (شرح بدایه المبتدی)، جلد دوم، دارالاسلام، ۱۴۲۰ ه. ق - ۲۰۰۰ م.
۱۴. نووی، امام، ترجمه منهاج الطالبین (راه دین)، ترجمه: مسعود قادر مرزی، جلد دوم، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۰.
۱۵. الغنیمی المیدانی، شیخ عبدالغنی، اللباب فی شرح الکتب، دارالکتب العربی، جلد اول، ۱۴۲۳ ه. ق، ۱۹۹۳ م.
۱۶. البغدادی الحنفی، ابوالحسن احمد بن محمد، مختصر القدری، زاهدان، ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۷. شیخ نظام الدین و جمعیتی از علمای هند، الفتاوی الهندیه، جلد اول، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ه. ق، ۲۰۰۲ م.
۱۸. مروارید، علی اصغر، سلسله بنایب الفقهیه، جلد الطلاق و جلد الطهاره، موسسه فقه شیعه، ۱۴۱۳ ه. ق، ۱۹۹۳ م.
۱۹. امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، ترجمه: علی اسلامی، جلد سوم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. قلعه جی، محمدرواس، الموسوعه الفقهیه، جلد اول، جامعه الکویت، دارالنفاس.
۲۱. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه و مذهب اهل بیت (ع)، دارالتقلین، جلد چهارم، ۱۴۱۹ ه. ق.
۲۲. جزیری، عبدالرحمن و الغروی، محمد و مازح، یاسر، الفقه الاسلامی و ادلته، وهبه الزحیلی، جلد نهم، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۸ ه. ق.
۲۳. المقدسی، بهاءالدین عبدالرحمن بن ابراهیم، العده شرح العده، المکتبه العصریه، ۱۴۲۵ ه. ق، ۲۰۰۵ م.
۲۴. سعدی، مرداوی، الانصاف فی معرفه الراجح من اختلاف، جلد نهم، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ه. ق.
۲۵. ابن مفلح، المبدع فی شرح المقنع، جلد هشتم، الکتب الاسلامی، ۱۴۲۱ ه. ق.